

بازگشت آقای خنده، مرثیه ای برای فوتبال

خبر بازگشت مرد خنده به فوتبال، جامعه ورزش را تحت تأثیر قرارداد و بر قدرت و توانایی جمع اندکی در به دست گرفتن سرنوشت فوتبال کشوری انقلابی و اسلامی صحنه گذاشت.

این چند نفر اصفهانی و تعداد اندکی همراه از هیئت های استانی چه هیزم تری به فوتبال این مملکت فروخته اند که نمی خواهند دست از سر آن بردارند و این رشته فلاکت زده را به حال خود رها نکنند.

کسی که محکومیت کمیته اخلاق را دارد به راحتی خبر از بازگشت پیروزمندانه به فدراسیون فوتبال و تکیه زدن به صندلی نایب رئیسی را می دهد. آیا آقای خنده و دوستان دو آتشه سینه چاکش در هیئت های استانی به ریش مردم، پیشکسوتان و هواداران صادق این رشته نمی خندند؟

با بازگشت پیروزمندانه و قدرتمندانه آقای فوتبال، معیارهای لازم برای انتخاب یک مدیر در کشوری اسلامی و انقلابی به هم نمی خورد؟ اصل شایسته سالاری زیر سؤال نمی رود؟ عدم به کارگیری بازنشستگان مفهوم تازه ای پیدا نمی کند؟ خنده درمانی و سپردن امور به گذشت زمان جان نمی گیرد؟ فعالیت غیر متخصص ها در مدیریت فوتبال وارد فاز جدیدی نمی شود؟ میدان ترکتازی، آمارسازی و ادامه فعالیت های غیر قانونی در سطح فوتبال استان ها فراهم نمی شود؟

کمیته به اصطلاح اخلاقی فدراسیون در این میان چه نقشی دارد؟ آیا به دنبال محکوم کردن دو تماشاگر، دو بازیکن و یک مدیر باشگاه است و یا حقیقتاً برای حمایت از عدالت و نهادینه شدن آن در فوتبال برنامه ریزی می کند؟ باور کنید که برای بی طرفی و رفتار حق طلبانه این کمیته نیز باید با شک و تردید نگاه کرد.

بازگشت آقای خنده به فوتبال هیچ پیامی جز خواندن فاتحه فوتبال این کشور نخواهد داشت. از عشق بی پایان این آویزان ها به فوتبال همین بس که برای حضور در فدراسیون لحظه شماری می کنند و هیچ فرصتی را از دست نمی دهند.

اگر آقای خنده با انواع لطف ها و مرحمت ها به محرومیت یک ساله

محکوم شد چرا از کنار نقش کسانی که سال ها او را در مجمع فدراسیون مورد حمایت قرار دادند و برای ادامه تخلف ها به او رأی دادند بی تفاوت گذشتند. نتیجه این بی تفاوتی جان گرفتن دوباره باند حاکم این عده قلیل و فراهم شدن زمینه بازگشت آقای خنده به مصدر قدرت و ادامه راه و روش قبلی است.

اعتراض به این بازگشت به صورت گسترده این روزها از طرف اهالی فن و خاک خورده های فوتبال ادامه دارد. آیا اراده ای در بین مسئولین در برخورد با این قضیه و احترام به نظر صاحبان اصلی فوتبال وجود دارد؟

اقدام محمد دادگان مبنی بر استعفا از سمت خود در کمیته جوانان AFC در راستای اعتراض به این موضوع می باشد. دور از انصاف، مروت و مردانگی است که حرف و سخن و دلسوزی افرادی چون دادگان هیچ تلقی شود و منفعت طلب ها و شهرت طلب ها فرصت جولان هرچه بیشتر به دست آورند.

این فوتبال چه سود و منفعت و مواهبی دارد که این آقایان و حامیان و دوستان فابریک شان در هیئت های استانی به دل کندن از آن راضی نیستند؟ چرا دست از سر فوتبال بدیخت بر نمی دارند؟

فردا دور نخواهد بود که بشنویم اگر آقای خنده بر نگردد تعلیق حتمی است. فوتبال امروز ما که تعلیق نیست چه گلی بر سر ورزش ما زده است که تعلیق اش پژمرده شدن آن را به دنبال داشته باشد. تعلیق شدن بهتر از سپردن امور به دست ناهلان، باندبازها، آویزان ها و قهرمانان دورغ و نیرنگ و تخلف است. تعلیق بهتر از آن است که عده ای اندک و شارلاتان مسلک های امتحان داده بر حلقوم فوتبال فشار آورند و آخرین روزهای حیات را بر آن حکومت بکنند.

مسئولان حتی به بهای تعلیق نباید اجازه بدهند که افراد شناخته شده و منفعت طلب فوتبال را به دکانی دو نبش تبدیل کنند و با گماردن دست نشانده هایشان در هیئت های استانی حاشیه امنی برای خود درست کرده و به فکر منافع نامشروع باشند.

کسی که به دلیل تخلفات، محکومیت قطعی به یک سال محرومیت از فعالیت در فوتبال را داشته صلاحیت حضور دوباره در رأس مدیریت فوتبال کشور را ندارد. برگشت او به فوتبال زیر پا گذاشتن همه اصول مورد قبول و حاکم بر جامعه ما است.

مسلماء جامعه فوتبال از قوه قضائيه و شخص رئيس قوه انتظار ورود به اين بحث را دارند. ريشه کن کردن باند حاکم حتی به بهای تعلیق در دراز مدت می تواند به نفع فوتبال این مملکت باشد. یا حق.